

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پشت پرده سفر عجیب و غیرمترقبه نتانیاهاو به لندن

(ترجمه)

#### پرسش

نتانیاهاو به تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۹م؛ یعنی در زمان دشوار انتخاباتی، که دو هفته به انتخابات رژیم یهود مانده بود، به مسکو سفر نمود. قبل از آن به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۹م در یک سفر سریع و گذرا به انگلستان رفت و در آن جا با نخست وزیر انگلستان دیدار نمود -نخست وزیری که به شدت درگیر "برگزت" یا روند خروج انگلستان از اتحادیه اروپاست. این سفر نتانیاهاو به انگلستان زمانی صورت می گیرد که جانسون نخست وزیر انگلیس در تصمیم اش برای خروج بدون توافق از اتحادیه اروپا، در پارلمان انگلستان برای چندبار پی هم شکست می خورد. از سفرهای این چنینی نتانیاهاو بر می آید که در کار اش سخت عجله دارد! پرسش این است که پشت پرده این سفرهایی که "عجیب و غیرمترقبه" به نظر می رسد چه می گذرد؟ و این که آیا این سفرها به انگیزه های انتخاباتی صورت می گیرد و یا اهداف مختلف دیگری نیز در پی دارد؟

#### پاسخ

اوضاع و شرایطی که این سفرها در آن صورت گرفته بیان گر این است که هدف از آن انتخاباتی نیست؛ هرچند سفرهای بین المللی از نظر انتخاباتی به نتانیاهاو فایده می رساند؛ اما این سفرها زمانی صورت می گیرد که اوضاع و شرایط جهانی و منطقه ای طوری نیست که هدف از آن انتخاباتی باشد. برای روشن شدن موضوع مسائل زیر را مختصراً به بررسی می گیریم:

اول- بدون شک، "عجیب و غیرمترقبه" خواندن این سفرها؛ به ویژه سفر اش به لندن، توصیف دقیقی است؛ زیرا نخست وزیر رژیم یهود با جانسون نخست وزیر انگلیس درحالی دیدار می کند که جانسون در مورد وعده اش در خصوص بیرون کردن انگلستان از اتحادیه اروپا به تاریخ ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۹م، چه با موافقت و یا عدم موافقت پارلمان، سخت درگیر شکست هایی است که در پارلمان با آن مواجه گردید؛ زیرا او نمی تواند در چنین شرایطی به قضایای بین المللی بیرون از بحث "برگزت" پردازد؛ چنانچه بعضی از اعضای پارلمان که اعضای حزب وی نیز هستند، برخلاف او موقف جدی گرفته اند. پارلمان به لزوم توافق با بروکسل رأی داده، از وی خواسته است تا زمان خروج را سه ماه دیگر تمدید کند. مجلس لوردات (عوام) انگلستان این تصامیم سریع پارلمان را تأیید نموده و در عین حال در چند مورد از وی خواسته شده تا از سمت نخست وزیری استعفا کند. بنابراین، سفر نتانیاهاو در چنین اوضاع و شرایطی به انگلستان واقعاً عجیب و غیرمترقبه است و اگر مسأله مهمی در میان نمی بود، مطمئناً چنین سفری صورت نمی گرفت. مسأله دیگری نیز هست که گنگ بودن این سفر غیرمترقبه را افزایش می دهد و آن دیدار نتانیاهاو با بعضی از مسؤولین امریکائی در لندن است. سفر پنس معاون رئیس جمهور امریکا به انگلستان به تاریخ ۱۴ آگست ۲۰۱۹م توسط قصر سفیر اعلان شد و گفته شد که هدف از این سفر، بحث و گفت وگو در مورد امور مربوط به آینده روابط امریکا و انگلستان پس از

"برگزت" و بررسی "تهدیدهای نفوذ چین" از طریق شبکه‌های مواصلاتی G5 است که شرکت "هواوی" چین قصد دارد در انگلستان راه‌اندازی نماید. در آن زمان قرار نبود وزیر دفاع آمریکا نیز در این سفر معاون رئیس‌جمهور را همراهی کند و هم‌چنین قرار نبود هیأت امریکائی با مسؤولین رژیم یهود در انگلستان ملاقاتی داشته باشند. این جزئیات را روزنامه "وطن" به تاریخ ۱۴ آگست ۲۰۱۹م به نقل از بیانیه منتشر شده از قصر سفیر منتشر نمود. بی بی سی به تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۹م در خبری از دیدار نتانیاهو با وزیر دفاع آمریکا و وزیر دفاع انگلستان خبر دارد. اگرچه از این دیدار نتانیاهو با وزیر دفاع آمریکا خبرهایی منتشر شد؛ اما در مورد دیدار وی با معاون رئیس‌جمهور آمریکا هیچ منبعی خبر نداد؛ هرچند هر دو در لندن به سر می‌بردند، که خود نشان می‌دهد دو طرف به گونه‌ی سری با هم دیدار نموده‌اند! به نظر می‌رسد، دیدارهای معاون رئیس‌جمهور آمریکا به این دلیل سری بوده تا دو طرف را از هرگونه برنامه‌ریزی بیرون از سیاست آمریکا هشدار دهد!

دوم- این سفرهای ناگهانی نتانیاهو در پیوند به چندین اتفاقی صورت می‌گیرد که با یکدیگر ارتباط دارد:

امریکا از حمایت کشتی‌های سایر دولت‌ها دست برداشت؛ چنان‌چه ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در اظهاراتی گفت که آمریکا سال‌هاست بدون هیچ امتیازی از راه‌های بحری در تنگه‌ی هرمز حفاظت می‌کند و دیگر از این وضع خسته شده است. وی از دولت‌های جهان؛ به ویژه چین و جاپان خواست که پس از این کشتی‌های‌شان را خودشان حفاظت کنند. (منبع: TRT عربی ۲۹ جولای ۲۰۱۹م) مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا نیز گفته بود: «انگلستان موظف است مسؤولیت حفاظت از کشتی‌هایش را خود به دوش گیرد.» (منبع: آژانس اناضول ۲۲ جولای ۲۰۱۹م) و این به معنی کاهش فشار آمریکا بر ایران در توقیف سایر کشتی‌هاست.

هرچند سیاست انگلستان از سال ۲۰۱۶م که مردم آن به "برگزت" رأی دادند و شک و گمان‌های زیادی که در مورد عملی نمودن آن تا کنون مطرح گردیده، سیاستی مغشوش و غبارآلوده است؛ اما سیاست‌مداران انگلیس هرزگاهی سیاست‌هایی را تجربه می‌کنند که نشان می‌دهد سعی دارند خود را از قید اروپا رها کنند که این بیان‌گر اراده فردی انگلیس است؛ از جمله می‌توان به سوء استفاده انگلیس‌ها از تنش موجود در روابط آمریکا با ایران، خروج آن از توافق هسته‌ای و موج قضیه کشتی‌ها در خلیج اشاره کرد. طوری که انگلستان برخلاف رویکرد اتحادیه اروپا دست به توقیف نفت‌کش ایران در جبل الطارق به تاریخ ۴ جولای ۲۰۱۹م زد؛ یعنی درحالی که اتحادیه اروپا سعی دارد روابط اش با ایران را آرام و بی‌حاشیه نگه‌داشته و وانمود کند که در قضیه‌ای توافق هسته‌ای دنبال آمریکا نخواهد رفت و تلاش می‌کند بهانه‌ای برای تبادل تجاری و مالی با ایران بسازد؛ اما انگلستان برخلاف این رویکرد حرکت نموده و فضای روابط با ایران را متشنج نمود. گمان اغلب در این مورد این است که انگلستان سعی داشت آمریکا را به پرتگاه جنگ با ایران بکشاند؛ به ویژه پس از آن که کشمکش‌ها میان انگلستان و ایران بر سر قضیه نفت‌کش ایرانی بالا گرفت؛ طوری که انگلستان به تاریخ ۱۵ آگست ۲۰۱۹م نفت‌کش ایران موسوم به "گریس ۱" را که قبلاً متوقف نموده بود، آزاد کرد و از ایران تعهد گرفت که این نفت‌کش به هیچ وجه روانه سوریه، که زیر تحریم‌های اروپا قرار دارد، نخواهد شد؛ اما پس از گشت‌وگذاری که نفت‌کش مذکور ابتدا به یونان سپس به ترکیه داشت، سرانجام با تغییر نام‌اش به "ادریان داریا-۱" به سوریه رسید. (منبع: سایت میدل ایست ای ۶ سپتامبر ۲۰۱۹م) بی‌توجهی ایران به تعهدش در برابر انگلستان و اعزام نفت‌کش مذکور به سوریه در حقیقت ضربه محکمی بود که به صورت انگلستان زد و از جانب دیگر ایران تا همین لحظه نفت‌کش انگلیس موسوم به "ستیلو

امپيرو" را در بازداشت خویش داشته و آزادش نمی‌کند و این کار ضربه دیگری است که انگلستان از جانب ایران به صورت خود احساس می‌کند. درعین حال، کشتی "اچ ام اس مونتروز" مربوط به نیروی بحری انگلستان بارها توسط نیروهای بسیج ایران مورد بررسی و تفتیش قرار گرفته؛ چنان‌چه ویل کینج فرمانده این کشتی بحری انگلستان در اظهاراتی گفته: «کشتی ما تقریباً همه روزه توسط بسیج ایران در آب‌های خلیج مورد بازرسی قرار می‌گیرد.» (منبع: اندپندنت عربی ۳ سپتمبر ۲۰۱۹م)

سوم- حمله موشکی رژیم یهود بالای نظامیان ایرانی به ویژه در سوریه و عراق:

رژیم یهود معمولاً در جریان سال‌های انقلاب سوریه هرازگاهی ایرانیان را در داخل خاک سوریه هدف قرار می‌داد، بدون این‌که هیچ پاسخی از "محور مقاومت" دریافت کند. رژیم یهود حملات‌اش را افزایش داد و شماری از فرماندهان حزب ایران در لبنان را در سوریه هدف قرار داد. ایران پیوسته رد می‌نمود که در داخل سوریه با چنین حملاتی مواجه شده، انگار کشته شدن مردم سوریه و افرادی از حزب‌اش در لبنان هیچ اهمیتی برای آن ندارد، مهم این است که کشته شدن اتباع ایران به گونه مستقیم برای آن اهمیت دارد و بس. در این اواخر رژیم یهود اعلان نمود که شمار زیادی از ایرانیان را در داخل خاک سوریه هدف قرار داده: «سخن‌گوی اردو/لشکر اسرائیل در اظهاراتی گفت که طیاره/هواپیماهای اسرائیل امروز شنبه ۲۴ آگست ۲۰۱۹م نیروهای ایران را در نزدیکی دمشق بمباران نمود؛ زیرا آنان سرگرم برنامه‌ریزی برای حمله به اهدافی در داخل اسرائیل توسط طیاره‌های بدون سرنشین بودند.» در بیانیه اردوی اسرائیل گفته شد: «این بمباران نیروهای فیلق قدس و ملیشه‌های شیعه‌ای را هدف قرار داده که سعی داشتند برای حمله به اهدافی در اسرائیل در روزهای اخیر و از داخل خاک سوریه برنامه‌ریزی نمایند.» یک سخن‌گوی نظامی به رسانه‌ها گفت که این نیروها برای فرستادن "طیاره/هواپیمای جنگی بدون سرنشین" به داخل اسرائیل آماده می‌گرفتند. (منبع: سایت آلمانی دویچ ویله ۲۴ آگست ۲۰۱۹م) این اقدامات اسرائیل بیان‌گر دست‌اندازی مستقیم اسرائیل به ایران و به چالش کشیدن آن است و دروازه احتمالی آغاز جنگ میان دو طرف را در صورت واکنش ایران، کاملاً باز خواهد نمود. با وجود کشته شدن چندین تن از اتباع ایران در نتیجه حملات رژیم یهود؛ چنان‌چه «دو تن از افراد حزب الله و سه تن از اتباع ایران در این حملات اسرائیل در نزدیکی دمشق کشته شدند» (منبع: العربیه نت ۲۵ آگست ۲۰۱۹م)؛ اما از آن جایی که امریکا نمی‌خواهد ایران با رژیم یهود وارد جنگ شود؛ زیرا ممکن است دامن امریکا نیز به چنین جنگی کشیده شود؛ لذا ایران کشته شدن اتباع خویش در این حملات را رد نمود.

اما در عراق باید گفت که رژیم یهود از ماه آگست ۲۰۱۹م، شروع به هدف قرار دادن ذخایر سلاح ایران و کارشناسان ایرانی در داخل قرارگاه‌های نیروهای "حشد شعبی" نموده و این عمل‌کردهای بزرگی است که رژیم یهود بر علیه ایران و برای تحریک آن انجام می‌دهد؛ مانند حمله به پایگاه "صقر" وابسته به "حشد شعبی" عراق در جنوب بغداد به تاریخ ۱۲ آگست ۲۰۱۹م، که سومین حمله در جریان یک هفته به شمار می‌رود. هم‌چنین حمله موشکی به قرارگاه نظامی "شهداء" در صلاح الدین، که این نیز مربوط به نیروهای "حشد شعبی" می‌شود. رژیم یهود ذخایر تسلیحاتی ایران و کارشناسان آن را مستقیماً هدف قرار می‌داد، «آژانس فرانس پرس به نقل از یک نظامی پولیس صلاح الدین پس از بررسی محل اصابت موشک گفت که فرد کشته شده یک نظامی کوچکی بوده؛ اما دو تن که مجروح گردیده‌اند "انجنیر/مهندسان نظامی ایرانی" بودند که در این پایگاه حضور داشتند.»

(منبع: عرب‌۴۸، ۱۲ آگست ۲۰۱۹م) سپس حمله دیگری به تاریخ ۲۵ آگست ۲۰۱۹م در نزدیکی شهر "قائم" عراق بالای یک قرارگاه دیگر و چند وسیله نقلیه نظامی صورت گرفت. عراق به هدف آرام نمودن اوضاع تنها شمار اندکی از قربانیان را اعلان می‌نمود و ایران از قربانیان اش هیچ اعلانی نمی‌کرد. اما سر انجام کاملاً روشن شد که رژیم یهود قصد دارد ایران و حضور مستقیم آن در عراق و سوریه را به چالش بکشد.

با تدبیر به موارد فوق‌الذکر بحث را این‌چنین خلاصه می‌کنیم:

انگلستان که از جانب ایران در قضیه کشتی‌هایش مورد اهانت قرار گرفته و نفت کش آن هنوز متوقف است، انگیزه کافی برای افروختن جنگ برعلیه ایران را دارد، جنگی که دامن آمریکا نیز به آن کشیده شده و طبیعتاً انگلستان خود نیز برای انتقام گرفتن از ایران در آن شرکت خواهد نمود؛ به همین دلیل است که نمی‌خواهد لهجه تند برعلیه ایران را فروکش کند؛ چنان‌چه لهجه خوش‌بینانه آمریکا در اظهارات وزیر دفاع آن را رد نمود، «اسپر وزیر دفاع آمریکا در کالج شاهی در لندن گفت: به نظر می‌رسد ایران آهسته‌آهسته خود را به جایی می‌رساند که می‌توان وارد گفت‌وگوهایی با آن شد و امیدواریم اوضاع به همین منوال ادامه یابد. اسپر بعداً در پاسخ به پرسشی که در یک کنفرانس مطبوعاتی از وی مبنی به این اظهارات، که آیا توسط او بوده یا خیر، گفت: بلی این اظهارات را در روشنایی تعلیقاتی مطرح نمودم که ایرانیان پس از نشست دولت‌های گروه هفت کشور بزرگ صنعتی داشته‌اند.» (منبع: رویترز ۶ سپتمبر ۲۰۱۹م) انگلستان این اظهارات را، هرچند به گونه سرپوشیده، رد نمود: «وزیر دفاع انگلستان روز جمعه در جریان کنفرانس مطبوعاتی که با اسپر داشت گفت: انگلستان قطعاً آمریکا را در روند گفت‌وگو با ایران همیشه کمک خواهد نمود؛ البته اگر دست‌یابی به توافقی ممکن باشد. اما وی تأکید نمود که با ایران باید از طریق عمل، تعامل صورت گیرد و نه فقط حرف.» (منبع: رویترز ۶ سپتمبر ۲۰۱۹م) انگلستان به این ترتیب در قلب بحران داغ مربوط به ایران قرار گرفته و مواردی نزد انگلیس‌ها وجود دارد که آنان را به جانب دامن زدن جنگی برعلیه ایران تشویق می‌کند و درست به همین هدف با دولت یهود دید و باز دید دارند. حملات رژیم یهود در سوریه به تاریخ ۲۴ آگست و در عراق و لبنان به تاریخ ۲۵ آگست؛ پس از تسلط ایران بالای نفت کش انگلیس در خلیج به تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۱۹م در همین راستا و در هماهنگی با انگلستان شدت گرفت. بناءً دشوار نیست ادعا نمود که انگلستان رژیم یهود را به جنگ با ایران و بازوهای ایران در منطقه تحریک می‌کند و فرصت‌ها و زمینه‌های لازم برای انگیزه دادن آن به چنین جنگی را فراهم می‌کند.

دولت یهودیان از یک طرف عملاً از قدرت ایران در هراس است و از طرف دیگر می‌خواهد برعلیه آن جنگی راه‌اندازی کند که آمریکا نیز در آن دخیل باشد؛ اما متوجه شده که آمریکا در برابر ایران نرمی به خرج می‌دهد و قصد جنگ با آن را ندارد و هشدارهای نظامی و تنش‌آلود کردن فضای خلیج بیش‌تر به فعالیت‌های سیاسی با پوشش هشدار و به دو هدف به پیش برده می‌شود:

اول- مزاحمت به اروپا و ترساندن آن؛ به خصوص انگلیس، در مورد کشتی‌ها و اهانت به آن از طریق ایران تا در سیاست خویش با آمریکا هم‌سو شود.

دوم- استفاده مالی از دولت‌های خلیج به بهانه حمایت‌شان از خطر ایران! هدف از متشنج کردن اوضاع در خلیج این نیست که آمریکا با ایران وارد جنگ شود؛ چنانچه اقدامات آمریکا در قبال ایران این واقعیت را روشن می‌کند. ایران به تاریخ ۲۰ جون ۲۰۱۹م یک فروند طیاره/هواپیمای بدون سرنشین آمریکا را سقوط داد؛ اما آمریکا قضیه را با آرامش تمام حل و فصل نمود؛ هم‌چنین اظهارات پی‌هم آمریکائیان در مورد عدم جنگ با ایران و عدم سقوط نظام حاکم در ایران؛ حتی از این هم فراتر رفته و زمانی که بحران شدت گرفت، آمریکا از گفت‌وگو با ایران صحبت نمود؛ چنانچه وزیر دفاع آمریکا در اظهاراتی که قبلاً اشاره شد، گفت: «به نظر می‌رسد ایران آهسته‌آهسته خود را به جایی می‌رساند که می‌توان وارد گفت‌وگوهایی با آن شد و امیدواریم اوضاع به همین منوال ادامه یابد.» (منبع: رویترز ۶ سپتامبر ۲۰۱۹م) سیاست آمریکا زمانی کاملاً روشن شد که رسانه‌ها احتمال دیدار ترامپ با روحانی را در حاشیه نشست عمومی سازمان ملل در نیویورک و در مورد تحریم‌ها و روابط‌شان مطرح نمودند؛ حتی بعضی رسانه‌ها آن را معامله خواندند. «احتمال معامله آمریکا با ایران، نتانیاهو را وادار نمود به مسکو سفر کند. این منابع اشاره نمودند که نتانیاهو از وقوع معامله‌ای میان آمریکا و ایران، که به "جمهوری اسلامی" فرصت دهد، برنامه هسته‌ای خویش را ادامه داده و تحریم‌های آمریکا از آن برداشته شود، سخت نگران است. گفته می‌شود بیش‌ترین نگرانی نخست‌وزیر اسرائیل در مورد تداوم حضور ایران در سوریه بر اساس این معامله می‌باشد.» (منبع: العرب ۹ سپتامبر ۲۰۱۹م) همین مسأله باعث شد نتانیاهو به سوچی نیز سفر کند تا در صورت بروز برخوردی با ایران، از موقف روسیه آگاه باشد؛ به ویژه که روسیه با ایران توافقاتی نیز دارد. «نتانیاهو اندکی پیش از سفر به تفریح‌گاه سوچی برای دیدار با پوتین، گفت: این سفر بسیار مهمی است؛ به ویژه در زمان حاضر. در چند عرصه و در ۳۶۰ درجه داریم کار می‌کنیم تا ضمانت امنیت اسرائیل را تأمین نموده، از تلاش‌های ایران برای حمله به خاک خود جلوگیری و برعلیه آن کار می‌کنیم.» (منبع: خاور میانه ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۹م)

آمریکا به خطر سیاست انگلیس در تحریک نمودن رژیم یهود به جانب جنگ برعلیه ایران و بازوهای آن در منطقه پی برده و می‌داند که چنین جنگی تنها به ایران و بازوهای منطقه‌ای آن ضربه نزده؛ بلکه رژیم یهود را نیز متضرر خواهد نمود و آمریکا نمی‌تواند در برابر جنگی که رژیم یهود درگیر آن شده بی‌تفاوت باشد. بنام آمریکا این موضوع را به مجرد وقوع حوادث ۲۵ آگست ۲۰۱۹م در لبنان و عراق و حوادث یک روز قبل از آن در سوریه جدی گرفت و به آن واکنش نشان داد. ظاهراً آمریکا سعی دارد این تلاش‌ها را خنثی کند؛ زمانی که آمریکا از سفر نخست‌وزیر رژیم یهود به انگلستان، که به نظر می‌رسید سفری برای برنامه‌ریزی نظامی بود، اطلاع یافت، شروع به خنثی کردن این سفر نمود. (مئیر بن شابات رئیس امنیت ملی، عمیکام نورکین فرمانده سلاح بحری و ژنرال اهرن حلیوا رئیس بخش عملیات اردوی دفاعی اسرائیل در سفر به انگلستان نتانیاهو را همراهی نمودند.) برنامه‌ریزی نظامی با انگلستان به معنی استفاده رژیم یهود از پایگاه‌های نظامی انگلیس موسوم به "اکروتیری" و "دیکلیا" در قبرس و یا مشارکت طیاره‌های نظامی و نیروهای بحری انگلستان در این دو پایگاه به صورت مخفی با رژیم یهود است؛ اما این کار در سایه ضرباتی که ایران به انگلستان وارد نموده؛ چنانچه قبلاً به آن اشاره شد، چندان بعید هم به نظر نمی‌رسد. آمریکا در واکنش به این برنامه‌ریزی‌ها، وزیر دفاع خود را به لندن فرستاد تا با نتانیاهو ملاقات نموده، نیازهای امنیتی رژیم یهود را بررسی و در مورد نگرانی‌های امنیتی از جانب ایران به نیازهای آن گوش دهد تا به این ترتیب رژیم یهود در مورد حفظ امنیت خویش در برابر تهدیدهای بیرونی مطمئن شده و در نتیجه از جنگ با ایران و هماهنگی با بریتانیا منصرف شود.

چهارم- بنابراین و به گمان اغلب هدف اساسی نتانیاهو از سفر به بریتانیا این بوده که گام‌های لازم برای رویارویی نظامی با ایران را بررسی نماید؛ طوری که امریکا چاره‌ای جز سهم‌گیری در آن را نداشته باشد. انتظار می‌رود انگلستان این روی‌کردش برای تحریک نمودن رژیم یهود به جانب جنگ و حمایت نظامی از آن با استفاده از پایگاه‌های خویش در قبرس و سایر زمینه‌ها را هم‌چنان ادامه داده و تسهیلاتی را که در برخی دولت‌ها؛ مانند: اردن و امارات در اختیار دارد، در صورت لزوم در اختیار رژیم یهود قرار دهد. امریکا نیز در مقابل، ایران و بازوهای منطقه‌ای آن را تحریک خواهد نمود تا واکنش سطحی از خود نشان داده؛ به هیچ وجه واکنش‌شان قوی نباشد و این دقیقاً روی‌کردی است که جریان "محور مقاومت" از چند دهه به این طرف در پیش گرفته است "در زمان و مکان مناسب پاسخ خواهیم داد." و یا هم بعضاً عکس‌العمل سطحی نشان می‌دهند تا آبروی خود را حفظ کرده باشند. علاوه‌براین، امریکا در داخل رژیم یهود از طریق نفوذی که در میان اردوی این رژیم دارد نیز برای جلوگیری از جنگ احتمالی فعالیت دارد. عین این اتفاق در سال ۲۰۱۲م نیز افتاد؛ طوری که بر اساس اظهارات منابعی یهودی، رژیم یهود در جست‌وجوی ضربه زدن به ایران و امریکا در جست‌وجوی شناخت نقشه‌های رژیم در این زمینه بود تا از آن جلوگیری نماید؛ اینک دقیقاً همان معادله در حال تکرار شدن است. هرچند پلّه امریکا در جلوگیری از چنین جنگی در برابر پلّه انگلستان، که سعی دارد جنگ را دامن زند، سنگین‌تر است؛ اما اوضاع میان دو طرف هم‌چنان در لبّه پرتگاه باقی خواهد ماند. انگلستان و ابزارهای منطقه‌ای آن سعی خواهند نمود، رژیم یهود را به جانب جنگ سوق دهند و امریکا سعی خواهد نمود از هر دو طرف حمایت کند تا این که پلّه یک طرف سنگین‌تر شود.

هدف سفر نتانیاهو به روسیه با هدف سفراش به انگلستان متفاوت است؛ سفراش به انگلستان به هدف هماهنگی تلاش‌ها میان نتانیاهو و انگلستان برای داغ کردن اوضاع به هدف رویارویی با ایران و وادار نمودن امریکا برای مشارکت در این رویارویی بود؛ اما سفر وی به روسیه به هدف شناخت موقف روسیه از حضور ایران و موشک‌های آن در سوریه صورت گرفت تا روسیه را تشویق کند با استفاده از فشارهای "نرم" ایران را وادار کند که از سوریه بیرون رفته و یا حداقل از مرزهای فلسطین اشغال‌شده فاصله گیرد؛ در حدی که موشک‌های بالستیک آن نتواند به رژیم یهود ضربه‌ای وارد کند. این سفر مطمئناً به هدف هماهنگی برای رویارویی با ایران صورت نگرفته؛ زیرا روسیه با ایران توافق‌نامه‌هایی دارد که بر اساس آن انتظار نمی‌رود در این میان روسیه با دولت یهود بر علیه ایران دست به کار شود.

پنجم- سخن اخیر این که حکام خائنی که در حال حاضر سرنوشت مسلمانان و سرزمین‌های آنان را در اختیار دارند به کفار استعمارگر اجازه می‌دهند "و چه بسا بدون اجازه" به قضایای مسلمانان دخالت نموده و راه‌های حل را بر اساس برنامه‌ریزی منافع خود و کشتن منافع مسلمانان طرح و عملی نمایند؛ اما هرگاه خود مسلمانان و یا گروه و حزبی از میان آنان، که مالک اصلی این سرزمین‌هاستند، سر بلند نموده، خواستار تحقق حق شده و برای قضایای سرزمین‌های خویش راه حل صحیح و شرعی مطرح کنند، که همانا از سرگیری زندگی اسلامی از طریق برپائی خلافت است، مخالفان قانون برشمرده شده و بلافاصله مورد محاکمه قرار می‌گیرند و روانه زندان می‌شوند؛ اما باید دانست که به خواست و اراده‌ی الله سبحانه و تعالی دیری نخواهد گذشت که حق از راه رسیده و باطل را کنار خواهد زد!

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

ترجمه: کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست که به چه جایگاهی باز خواهند گشت.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾

ترجمه: بی‌شک در این (سرگذشت‌ها) تذکری است برای کسی که او را قلبی (بیدار) باشد یا گوش فرا دهد؛ درحالی‌که (به دل) حاضر و گواه (حقایق) باشد.

۲۴ محرم ۱۴۴۰ هـ

۱۳ سپتمبر ۲۰۱۹ م

مترجم: عبدالله دانشجو